

مفهوم آزادی

عبدالله غروی

ترجمه سید محمد آل مهدی

www.ketab.ir



نشر اختران

سرشناسه	: عروى، عبدالله، ۱۹۳۳ - م. Arawi, Abd Allah
عنوان و نام پدیدآور	: مفهوم آزادی / عبدالله عروى؛ ترجمه سید محمد آل مهدی
عنوان قراردادی	: مفهوم الحریه، فارسى
مشخصات نشر	: تهران: اختران، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهرى	: ۱۳۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۰۷-۱۸۴-۵
وضعیت فهرست نویسى	: فیا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۳۵
یادداشت	: نمایه
موضوع	: آزادى
موضوع	: Liberty
شناسه افزوده	: آل مهدی، سید محمد، مترجم
رده بندي کتبه	: ۱۳۹۷ ۱۵۸۵/ع۴م۷۰۴۱ JC
رده بندي دیوبند	: ۳۲۳/۴۳
شماره کتابسازى ملی	: ۵۲۵۵۷۲۰



نشر اختران

مفهوم آزادی

عبدالله عروى

مترجم: سید محمد آل مهدی

طرح جلد: بتی بریران

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۵۰ نسخه

لیتوگرافی: پارسیان - چاپ: فرشیه - صحافی: روشنگر

کارگر جنوبی - خیابان روانمهر - پلاک ۱۵۲ ط ۱ تلفن: ۶۶۴۱۰۳۲۵ و 090Akhtaran
 info@akhtaranbook.ir - www.akhtaranbook.ir - akhtaranpub@instagram

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۰۷-۱۴۰-۱

همه حقوق محفوظ است

بها: ۱۶۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷.....	یادداشت مترجم
۱۱.....	پیشگفتار
۱۷.....	فصل اول: آزادی به منزله آرمات، در جامعه سنتی
۳۷.....	فصل دوم: دعوت به آزادی (دوره سازمان‌ها)
۴۹.....	فصل سوم: آزادی لیبرالی
۷۱.....	فصل چهارم: نظریه آزادی
۱۰۷.....	فصل پنجم: معناسازی آزادی
۱۲۵.....	نتیجه‌گیری
۱۳۱.....	فهرست منابع
۱۳۳.....	نمایه

پیشگفتار

ما در مورد مفاهیم مجردی که محدود به زمان و مکان نیستند بحث نمی‌کنیم؛ موضوع بحث ما مفاهیمی است که جماعتی از قوم عرب معاصر به کار می‌گیرند. ما این مفاهیم را فقط به خاطر آسودگی ذهن و دقت در تدریس، نقد و بررسی نمی‌کنیم؛ بلکه معتقدیم کارآمد شدن هر تدریسی در جامعه ما، به این دقت و صفای ذهن مربوط است. از این رو، اصرار داریم از توصیف واقعیت جامعه آغاز کنیم. نقطه عزیمت ما، مفاهیم در مقام شعارهاست که اهداف را معین می‌کنند و چراغ راه فعالیت قومی هستند و از آنجا قصد داریم از یک سو به مفاهیم ناب معقول و از سوی دیگر به یک تعریف جامعه عرب کنونی برسیم. ما طی این روند به کارگیری هر گونه مفاهیم، جهت حکم بر صحت شعارها و همچنین از تصور یک واقعیت خیالی ایده‌آل، جهت قیاس این شعارها با آن، پرهیز می‌کنیم؛ زیرا معتقدیم سادترین راه ورود به جان جامعه، شناخت شعارهای آن است.^۱ این، روش ما در پرداختن به مسئله آزادی در جامعه عربی معاصر خواهد بود.

شاید در فرهنگ سیاسی عرب امروز، واژه آزادی بیش از پیش کاربرد دارد، حتی واژه‌هایی چون استقلال، دموکراسی و توسعه که در کاربرد رقیب آن هستند، غالباً مترادف و متصل به آن می‌آیند.

فرد در برابر خانواده‌اش، زن در برابر شوهرش، کودک در برابر پدرش و اقلیت در برابر اکثریت و امت در مبارزه با دشمنانش، همه، شعار آزادی سر می‌دهند. شعارها اهداف به شدت مختلفی را پنهان می‌کنند. فرد درگیر با خانواده، رهایی از آداب دست و پاگیر را آزادی می‌داند و زن از شعار

آزادی به دنبال استقلال در ارث و دستمزد است. خانواده روستایی نیز از آزادی، رهایی زمینش از یوغ عشیره را می‌طلبد و بازرگان به دنبال تخفیف مالیات و الغای قوانین معاملات است و امت خواهان پایان دادن به فقر و جهل و بیماری و بیکاری است.

شعار آزادی به منزله امر بدیهی و مسلمی که نیازمند توجیه نیست مطرح می‌شود. فرد می‌گوید: آزادم. منظور او، آزاد است که آزادی بخواهد و بیان این خواسته کافی است تا واقعاً آزاد باشد. جماعت یا طبقه یا امت نیز می‌گویند: آزادم و مرادشان این است که باید آزاد باشند تا بتوانند هویت خود را تأیید و اهدافشان را تحقق بخشند. در این تراز از خواستن، توجیه جایی ندارد. تضمین و تأکید است که کار را پیش می‌برد. آزادی در این جا وسیله تحقق هدف نیست. است: رشد امت، ثروتمند شدن طبقه یا شکوفایی شخصیت. بنابراین، نگاه‌های برای آزادی خواهی وجود دارد و همین انگیزه، توجیه‌گر مطالبه آزادی است.

درست است هرکه آزادی می‌خواهد در مطالبه آن متوقف نمی‌شود و به توجیهات دینی، تاریخی یا فلسفی پناه می‌رود. اگر ظاهر آن توجیهات را بپذیریم، اشتباه کرده‌ایم. این توجیهات برای بیان آنچه از آزادی می‌خواهیم به کار می‌رود؛ به عبارتی دیگر، برای تبیین آن گونه از آزادی است که در ذهن طالب آن، نقش بسته است. اگر شناسیم کسی آزادی می‌خواهد، نباید از او بپرسیم: آزادی چیست؟ بلکه باید از او پرسید چه تصویری از آن دارد؟ و اگر پاسخ داد آزادی می‌خواهم تا این یا آن کنم، همان عامل حقیقی سر دادن شعار آزادی و توجیه‌گر واقعی این کار اوست.^۲

گرچه همه عرب‌های معاصر واژه آزادی را در معنای واحدی به کار نمی‌برند، فلاسفه به‌عنوان جماعت متخصص، به دنبال مفهوم آزادی هستند و این سؤال را مطرح می‌کنند: آزادی چیست؟ آن‌ها نمی‌پرسند، آزادی از نگاه این فرد یا از منظر آن طبقه چه معنایی دارد، بلکه معنای

آزادی را از نگاه انسان به شکل عام جویا هستند. این نقطه تلاقی فلاسفه عرب معاصر با فلاسفه گذشته و فلاسفه امروز است. آنان مشکل را در رابطه میان ذات و ناذات می بینند. آن‌ها ذات را عقل، نفس، جوهر یا مطلق می انگارند و ناذات را جسم، طبیعت و مخلوق می دانند. بنابراین آزادی را قدرت یا استطاعت یا بهره وری تصور می کنند. آنان ممکن است ذات را از ناذات یا به عکس، بیرون بکشند اما همه آنان اتفاق نظر دارند: آزادی مفهوم مجردی است که بر نمونه معینی دلالت دارد. آن‌ها موضوع را به روش‌های گوناگونی چون تحلیل زبانی، توصیف‌های وجودی و انگاشت‌ها، ماورایی و شیوه‌های متفاوتی از تصاویر شعری تا معقولات مجرد، کار می گیرند. اما همه آنان همواره آزادی را همچون امر مطلق نگریسته‌اند.

بحث فلسفی درباره آزادی واقعاً بی ارزش است، زیرا نه بر آزادی واقعی دلالت می کند و نه امکان استدلال بر آزادی واقعی را دارد. از این رو خواننده عرب در شرایط سه خنونی‌اش به تحلیل فلسفی در این باره اهمیت نمی دهد و هرکه گمان کند به مجرد تعیین و تصور قواعد آزادی در جهان ملموس، آن‌ها را استوار ساخته است، مستحق استهزا و تمسخر است. اما فیلسوفی که کار خویش را پیش درآندی برای پژوهش راه‌های تغییر و نوآوری می داند، شایسته تشویق و ستایش است. توضیح فلسفی، دامنه توانایی ما در نمایندگی از آزادی را به اثبات می رساند. هنگامی که درمی یابیم تحلیل مفاهیم ابزار روشنی ذهن و ارزیابی منصفانه کار گرفته شده است، آنگاه در راه نزدیک‌سازی اندیشه و عمل یا افزایش نتایج فعالیت‌های روزانه مان گام‌های بلندی برداشته‌ایم، زیرا واژه‌ها تجسم حوزه‌هایی از مفاهیم است که به تجربه‌ها اشاره دارد و تجربه‌ها نمی توانند تفسیرگر واقعیت اجتماعی باشند، مگر آن‌که به شیوه‌هایی که خوشایند همه است بیان شوند.

هر فرد جامعه آزادی را به سان رهایی و رستن یا تسلیم و بندگی تجربه می‌کند. تجربه‌ای که در چارچوب پیشینه و کمینه، چارچوب آشکاری و پنهانی جای دارد. اگر خواندن و نوشتن را آموختم، توانایی‌ام در تعامل با دیگری بیشتر می‌شود و اگر بیمار شدم و نتوانستم هزینه داروهایم را تأمین کنم از دامنه آزادی‌ام کاسته می‌شود. اکنون که انتخاباتی وجود دارد و حق رأی دارم و انتخاب شدن دارم، اگر کاندیدای عضویت در پارلمان شوم به مشارکت در سازماندهی سیاسی افزوده‌ام. اما چنانچه این مبادرت از من گرفته شود و صرفاً از من بخواهند که در یک همه‌پرسی آری یا نه بگویم، از میزان آزادی من سلب می‌شود. هر یک از ما، این چنین، تجربه روزانه‌اش را می‌زند. می‌دانم که آزادی را با حقوقی که از آن بهره‌مند است می‌سبجد و از آزادی، کاهش شمار ممنوعیت‌ها و افزایش شمار مجازها را می‌فهمد. کاری که دانش‌گر علوم انسانی انجام می‌دهد پی‌گیری و توسعه این حدس بشری، علم است. مورخ میزان آزادی فرد را از گذر دنبال کردن مراحل تاریخ طبیعی و انسانی، و جامعه‌شناس آن را با توانایی فرد در تصرفش بر پیکر خویش و مسئولیت‌ناوادی و سیاسی‌اش می‌سبجد.

بنابراین، آزادی شعار و مفهوم و تجربه است. ما در حقیقت آینده روند این پیشرفت تدریجی را دنبال می‌کنیم؛ آیا این کار طبیعی است یا بهتر است به جای آغاز از شعار، از تجربه بیاغازیم و آنگاه به مفهوم و سپس به شعار پردازیم؟

باید میان تجربه و تعبیر از آن تمایز قائل شد. هیچ انسانی تجربه‌اش را بدون اندک تعبیری از آن نمی‌زند. دنیای مجرد نیز، خود را با پارامترهایی چون واژگان و ارقام و نشانه‌ها از واقعیت تعبیر می‌کند. هنگامی که تأمل می‌کنیم، درمی‌یابیم همه چیز — در تجربه بشری — در آن واحد ذهنی و واقعی است. واژه عمل است و پارامتر واژه است. دانشمند می‌گوید واقعیت را آن‌چنان که هست و بدون کم و کاست، توصیف می‌کنم و این

هدف علم است و همه دانشمندان بر آن اتفاق نظر دارند. اما دانشمند پیش از آن که توصیف کند نشانه‌هایی را معین می‌کند و نشانه‌ها، پیشینه‌هایی‌اند که هیچ کس از آن‌ها بی‌نیاز نیست. بنابراین، نفی یا طفره یا گریز از آن‌ها، سودمند نخواهد بود. روش معقول علمی منطقی، آغاز به شناخت این پیشینه‌ها یعنی نقد واژه‌ها و مفاهیمی است که ابزار توصیف‌اند. نقد باید بر بصف و بیان مقدم باشد تا هر چیزی پیش از وصف و بیان، تعقل شود.

ع - عرو

حاشیه پیشگفتار

۱- به شرطی که شعارها را بر مبنای مزله ماده‌ای جهت تحلیل فلسفی و تاریخی و اجتماعی، به عنوان نمادی از آنچه در جامعه موجود است و آنچه به شکل ناقص وجود دارد به کار گیریم. نقطه عزیمت از شعار مستلزم درک منطق دیالکتیک است و بدون آن فقط واقعیت موجود را برپا کرده‌ام.

۲- اساس بیشتر اختلاف‌ها در این است که همین موضوع است. برخی گمان می‌برند آگاهی به ضرورت آزادی، دلیل بر وجود آزادی است، اما در واقع دلیل بر صحت شعار آزادی است؛ زیرا طرح شعار آزادی، عزم به تحقق اهداف معینی کمک می‌کند که با تحقق‌شان، خود، علل و عوامل مطالبه آزادی می‌شوند. اما این امر بیانگر کمترین دلیل بر ممارست آزادی یا حتی امکان چنین ممارسی نیست.